

# کتاب دانیال - شماره بیست و هشت

دیوارها

Jeff Pippenger

2023-12-23

نبوکدنصر نمایانگر آغاز ادونتیسیم، آغاز ایالات متحده آمریکا، آغاز شاخ پروتستان و آغاز شاخ جمهوری خواهی است. بلشصر نمایانگر پایان همه این خطوط است.

نبوکدنصر نمایانگر تاریخ پیام‌های فرشته اول و دوم از ۱۷۹۸ تا ۱۸۴۴ و آغاز دآوری تحقیقی خداست. شهادت او با باب اول کتاب دانیال مطابقت دارد. بلشصر نمایانگر تاریخ پیام فرشته سوم از ۱۹۸۹ تا قانون روز یکشنبه و آغاز دآوری اجرایی خداست. شهادت او با باب‌های یک تا سه کتاب دانیال مطابقت دارد.

نبوکدنصر پایان «هفت زمان» را که در سال ۱۷۹۸ بر پادشاهی شمالی اسرائیل آمد، نشان می‌دهد؛ یعنی زمانی که پس از آن که مدتی با دلی همچون حیوان می‌زیست، پادشاهی‌اش به او بازگردانده شد. شهادت او تا گشایش دآوری تفتیشی در پایان «هفت زمان» که در سال ۱۸۴۴ بر پادشاهی جنوبی یهودا آمد، ادامه می‌یابد. در شهادت او، واژه «ساعت» نمایانگر پیام ساعت دآوری فرشته نخست است، و بار دیگر، نمایانگر فرارسیدن همان پیام. «ساعت» در شهادت او هم ۱۷۹۸ و هم ۱۸۴۴ را نشان می‌دهد؛ که این دو به ترتیب نمایانگر پایان غضب نخستین و غضب آخرین‌اند.

پایان بلشاصر با نوشته اسرارآمیزی مشخص می‌شود که برابر با دو هزار و پانصد و بیست است. «هفت زمان»، چه به صورت «یک ساعت»، «پراکندگی»، یا «دو هزار و پانصد و بیست» نمایش یابد، نمادی از دآوری است. دآوری نمرود «پراکندگی» بود، دآوری نبوکدنصر «هفت زمان» بود، و دآوری بلشاصر «دو هزار و پانصد و بیست» بود. هنگامی که نبوکدنصر سه مرد شایسته را دآوری کرد، دستور داد کوره را «هفت برابر» بیش از حد معمول داغ کنند.

دآوری «هفت زمان» با رسیدن پیام اول و با رسیدن پیام سوم مشخص می‌شود. پایان ادونتیسیم میلری در سال ۱۸۶۳ با رد آموزه «هفت زمان» آغاز می‌شود، و صد و بیست و شش سال بعد، در ۱۹۸۹، «زمان پایان» برای تاریخ فرشته سوم فرا رسید. صد و بیست و شش نمادی از «هفت زمان» است؛ پس پایان جنبش فرشته اول در ۱۸۶۳ تا آغاز جنبش فرشته سوم در ۱۹۸۹، به واسطه «هفت زمان» و با نماد صد و بیست و شش به هم پیوند داده می‌شوند.

با این حال، گواهی سقوط بلشصر در باب پنجم کتاب دانیال می‌آموزد که هیچ‌کس نمی‌تواند دآوری «هفت زمان» را ببیند، هرچند که بر «دیوار» نوشته شده است. برای شاخ جمهوری خواه، دآوری بر «دیوار جدایی کلیسا و دولت» توماس جفرسون نوشته شده است؛ دیواری که در باب پنجم دانیال برداشته می‌شود. برای شاخ پروتستان حقیقی، دآوری بر دو نمودار مقدس نوشته شده است که بر «دیوار» آویخته شده‌اند تا هر که آن را بخواند، بدود. اما در کوری لاودیکیه، کلمات تشخیص‌ناپذیرند. در هر دو مورد، کلمات دآوری نشان می‌دهند که هم شاخ پروتستان حقیقی و هم شاخ جمهوری خواه در ترازو قرار گرفته و ناکافی تشخیص داده شده‌اند. داستان بلشصر پیامی برای شاخ جمهوری خواه دارد که نماینده ملت‌های جهان است.

«در تاریخ نبوکدنصر و بلشاصر، خدا با ملت‌های امروز سخن می‌گوید.» نشانه‌های زمانه، ۲۰ ژوئیه ۱۸۹۱.

داستان بلشصر همچنین پیامی برای شاخ پروتستانی دارد که نماینده مردم جهان است.

"در سرگذشت نیوکدنصر و بلشصر، خدا با مردم امروز سخن می‌گوید." پژواک کتاب مقدس، ۱۷ سپتامبر ۱۸۹۴.

گناه بلشصر نمایانگر گناه هر دو شاخ وحش زمین است. گناه هر یک از این شاخ‌ها این است که با وجود آگاهی کامل از آن حقایق، حقایق بنیادی خود را رد می‌کنند. شاخ جمهوری‌گرایی در برابر نور قانون اساسی و تاریخ آغازینی که آن سند الهی در آن پدید آمد، مسئول است، اما از آن زمان تاکنون آن نور به تدریج کنار گذاشته شده است. وقتی ملت مانند اژدها سخن بگوید، دیوار نمادین جدایی کلیسا و دولت برداشته خواهد شد. برای شاخ پروتستان حقیقی، نوری که از تاریخ پیام‌های فرشته اول و دوم، هنگامی که پایه‌ها پی‌ریزی شدند، می‌تابد، به تدریج رد شده است و به‌طور فزاینده‌ای همچنان رد خواهد شد تا آن‌که «دیوار» شریعت خدا نیز در نهایت رد شود.

پیامبر در اینجا مردمی را توصیف می‌کند که در زمانی که انحرافی عمومی از حقیقت و پارسایی رخ داده است، در پی احیای اصولی هستند که بنیاد پادشاهی خدا را تشکیل می‌دهند. آنان مرمت‌کنندگان شکافی هستند که در شریعت خدا پدید آمده است—آن دیواری که او برای حفاظت برگزیدگانش گرداگردشان نهاده است—و اطاعت از فرامین عدالت، حقیقت و پاکی آن باید حافظ دائمی ایشان باشد.

"پیامبر با عباراتی صریح، وظیفه مشخص این قوم باقیمانده را که دیوار را بنا می‌کنند، بیان می‌کند. 'اگر پای خود را از سبت بازداری، از انجام دادن خوشی خویش در روز مقدس من؛ و سبت را مایه شادمانی بخوانی، مقدس خداوند و محترم؛ و او را حرمت بداری، نه به راه‌های خود بروی، نه خوشی خود بجویی و نه سخنان خود را بگویی؛ آنگاه در خداوند شادی خواهی یافت؛ و تو را بر بلندی‌های زمین سوار خواهم کرد و تو را با میراث یعقوب پدرت بهره‌مند خواهم ساخت؛ زیرا دهان خداوند چنین گفته است.' اشعیا ۵۸: ۱۳، ۱۴." پیامبران و پادشاهان، ۶۷۷، ۶۷۸.

روش‌شناسی کتاب مقدسی که توسط فرشتگان به ویلیام میلر مکشوف شد، بیانگر قوانین نبوی خداست و برخلاف اسرائیل باستان، اسرائیل امروزی قرار بود امانت‌دار نه تنها شریعت ده فرمان، بلکه نبوت نیز باشد.

خدا در این روزگار، همان‌گونه که اسرائیل باستان را فراخواند، کلیسای خود را فراخوانده است تا همچون نوری در زمین بایستد. به‌وسیله تیشه نیرومند حقیقت — یعنی پیام‌های فرشته اول، دوم و سوم — آنان را از کلیساها و از جهان جدا کرده است تا ایشان را به نزدیکی مقدسی با خود درآورد. او ایشان را امانت‌داران شریعت خود ساخته و حقایق عظیم نبوت برای این زمان را به آنان سپرده است. همچون وحی‌های مقدسی که به اسرائیل باستان سپرده شد، این‌ها نیز امانتی مقدس‌اند که باید به جهان رسانده شوند. سه فرشته مکاشفه ۱۴ نمایانگر مردمی هستند که نور پیام‌های خدا را می‌پذیرند و چون نمایندگان او بیرون می‌روند تا بانگ هشدار را در سراسر طول و عرض زمین طنین‌انداز کنند. مسیح به پیروانش اعلام می‌کند: «شما نور جهان هستید.» به هر نفسی که عیسی را می‌پذیرد، صلیب جلجتا چنین می‌گوید: «بنگرید به ارزش جان: "بروید به سراسر جهان و انجیل را به هر مخلوقی موعظه کنید."» نباید اجازه داد هیچ‌چیز این کار را بازدارد. این مهم‌ترین کار برای زمان است؛ و باید دامنه‌اش به گستره ابدیت باشد. محبتی که عیسی برای جان‌های انسان‌ها در قربانی‌ای که برای رستگاری آنان کرد آشکار ساخت، همه پیروان او را برخواهد انگیخت. شهادت‌ها، جلد ۵، ۴۵۵.

«حقایق بزرگ نبوت» که توسط فرشتگان ابلاغ شدند و از طریق کار ویلیام میلر تثبیت شدند، «امانتی مقدس برای ابلاغ به جهان» هستند. قانون ده فرمان، قوانین طبیعت، قوانین سلامت و قوانین

مطالعه نبوتی، همگی از سوی همان قانون‌گذار بزرگ عطا شده‌اند، و رد کردن یکی از فرمان‌ها به منزله رد کردن همه آن‌هاست. رد روش‌شناسی داده‌شده به ویلیام میلر، شورشی تدریجی را آغاز کرد که نهایتاً به رد سبت روز هفتم توسط ادونتیسیم خواهد انجامید.

خداوند در این ایام آخر با قومی که خود را از آن او می‌دانند، مناقشه‌ای دارد. در این مناقشه، مردانی در مقام‌های مسئولیت، راهی کاملاً مخالف با راهی که یحییا در پیش گرفت خواهند پیمود. آنان نه تنها خود سبت را نادیده گرفته و خوار خواهند شمرد، بلکه خواهند کوشید با دفن کردن آن زیر انبوه رسوم و سنت‌ها، دیگران را نیز از آن محروم سازند. در کلیساها و در گردهمایی‌های بزرگ در فضای باز، واعظان مردم را بر ضرورت نگاه‌داشتن روز نخست هفته ترغیب خواهند کرد. در دریا و خشکی بلایایی روی می‌دهد، و این بلایا افزایش خواهد یافت؛ فاجعه‌ای پشت سر فاجعه‌ای دیگر؛ و گروه کوچک کسانی که با وجدان سبت را نگاه می‌دارند، به‌عنوان کسانی معرفی خواهند شد که با بی‌اعتنایی به یکشنبه، خشم خدا را بر جهان می‌آورند.

شیطان این دروغ را پیش می‌برد تا جهان را به اسارت بگیرد. نقشه او این است که مردم را وادار کند خطاها را بپذیرند. او در ترویج همه ادیان باطل نقشی فعال دارد و برای تحمیل آموزه‌های نادرست از هیچ کاری فروگذار نمی‌کند. زیر پوشش تعصب دینی، انسان‌ها که از روح او متأثرند، بی‌رحمانه‌ترین شکنجه‌ها را برای هم‌نوعان خود ابداع کرده و هولناک‌ترین رنج‌ها را بر آنان وارد آورده‌اند. شیطان و عواملش هنوز همان روحیه را دارند؛ و تاریخ گذشته در روزگار ما تکرار خواهد شد.

مردانی هستند که عزم و اراده خود را بر انجام شر بسته‌اند؛ در زوایای تیره دل‌هایشان تصمیم گرفته‌اند چه جنایاتی مرتکب شوند. این مردان خودفریب‌اند. آنان قانون بزرگ حق خدا را رد کرده و به جای آن معیاری از خود برپا کرده‌اند و با سنجیدن خود با همان معیار، خود را مقدس می‌خوانند. خداوند به آنان اجازه خواهد داد آنچه را در دل دارند آشکار کنند و روح آن اربابی را که بر آنان فرمان می‌راند در کردار خویش به نمایش گذارند. او خواهد گذاشت نفرت خود از شریعت او را در رفتارشان با کسانی که به الزامات آن وفادارند نشان دهند. همان روح جنون مذهبی که اوباش مصلوب‌کننده مسیح را به پیش راند، آنان را نیز به حرکت درخواهد آورد؛ کلیسا و دولت در همان هماهنگی فاسد متحد خواهند شد.

کلیسای امروز در پی گام‌های یهودیان، روزگار کهن رفته است؛ آنان که برای سنت‌های خود احکام خدا را کنار گذاشتند. او آیین را دگرگون ساخته، عهد جاودانه را شکسته است و اکنون نیز، همانند آن زمان، غرور، بی‌ایمانی و بی‌وفایی پیامد آن است. وضعیت راستین او در این کلمات از سرود موسی بیان شده است: «خود را تباه کرده‌اند؛ نشانشان، نشان فرزندان او نیست؛ نسلی کچرو و معوج‌اند. آیا چنین به خداوند جزا می‌دهید، ای قوم نادان و بی‌خرد؟ آیا او پدر تو نیست که تو را خریده است؟ آیا او تو را نیافریده و استوارت نهاده است؟» ۱۸، Review and Herald، مارس ۱۸۸۴.

نهایی‌ترین انکار حقیقت از سوی ادونتیسیم در هنگام قانون روز یکشنبه رخ می‌دهد، زیرا ادونتیسیم تاریخ اسرائیل باستان را تکرار می‌کند، زمانی که «به تحریک همان روح جنون مذهبی که جمعیتی را که مسیح را مصلوب کرد برانگیخت؛ کلیسا و دولت در همان هم‌آوایی فاسد با هم متحد خواهند شد.» شورشی تدریجی ادونتیسیم در باب هشتم حزقیال به تصویر کشیده شده است، با چهار رجس فزاینده که به‌طور نبوی چهار نسل ادونتیسیم را که از سال ۱۸۶۳ آغاز شدند، مشخص می‌سازند. آخرین رجس زمانی است که رهبران اورشلیم در برابر خورشید سجده می‌کنند.

و او مرا به صحن داخلی خانه خداوند برد؛ و اینک نزد در هیکل خداوند، میان ایوان و مذبح، حدود بیست‌وپنج مرد بودند که پشت‌هایشان به سوی هیکل خداوند و روی‌هایشان به سوی مشرق بود، و به سوی مشرق خورشید را سجده می‌کردند. آنگاه به من گفت: ای پسر انسان، آیا این را دیدی؟

آیا برای خاندان یهودا امر کوچکی است که این رجاسات را که در اینجا می‌کنند، مرتکب شوند؟ زیرا زمین را از ظلم پر کرده‌اند و بازگشته‌اند تا مرا به خشم آورند؛ و اینک شاخه را به بینی خود می‌گذارند. بنابراین من نیز در خشم عمل خواهم کرد؛ چشمم ترحم نخواهد کرد و رحم نخواهم نمود؛ و هرچند با آواز بلند در گوش‌هایم فریاد کنند، ایشان را نخواهم شنید. حزقیال ۱۶:۸-۱۸.

داوری‌ای که در آن زمان رخ می‌دهد، در «ساعتِ داوری بلشصر» نشان داده شده است.

بلشصر پادشاه ضیافتی بزرگ برای هزار تن از سروران خود برپا کرد و در برابر آن هزار تن شراب نوشید. بلشصر، در حالی که شراب را می‌چشید، فرمان داد طرف‌های طلایی و نقره‌ای را که پدرش نبوکدنصر از معبدی که در اورشلیم بود بیرون آورده بود بیاورند، تا پادشاه و سرورانش و زنانش و سراری‌اش در آنها بنوشند. پس طرف‌های زرینی را که از معبد خانه خدا که در اورشلیم بود بیرون آورده بودند آوردند، و پادشاه و سرورانش و زنانش و سراری‌اش در آنها نوشیدند. آنان شراب نوشیدند و خدایان طلا و نقره و برنج و آهن و چوب و سنگ را ستودند. در همان ساعت انگشتانی از دست انسانی پدیدار شد و روبه‌روی چراغدان بر روی گچ دیوار کاخ پادشاه نوشت، و پادشاه آن بخش از دست را که می‌نوشت دید. آنگاه چهره پادشاه دگرگون شد و اندیشه‌هایش او را آشفته ساخت، چندان که بندهای کمرش سست شد و زانوهایش به هم می‌خورد. پادشاه با صدای بلند فریاد زد که منجمان و کلدانیان و غیبگویان را بیاورند. و پادشاه سخن گفت و به حکیمان بابل چنین گفت: هر که این نوشته را بخواند و تعبیرش را به من نشان دهد، جامه ارغوانی در بر خواهد کرد و زنجیر زرینی بر گردنش نهاده خواهد شد و سومین حاکم در مملکت خواهد بود. آنگاه همه حکیمان پادشاه درآمدند، اما نتوانستند نوشته را بخوانند و نه تعبیر آن را به پادشاه معلوم کنند. آنگاه پادشاه بلشصر بسیار مضطرب شد، و چهره‌اش در او دگرگون گردید، و سرورانش مات و مبهوت شدند. دانیال ۵:۱-۹.

در همان "ساعت" که داوری درباره بلشصر فرارسید، شدرک، میشک و عبدنغو به درون کوره‌ای افکنده شدند که "هفت بار" داغ‌تر از حد معمول برافروخته شده بود.

پس اگر آماده‌اید که هر زمان صدای شیپور، نی، چنگ، ترومبون، قانون و سنتور، و هرگونه ساز و موسیقی را بشنوید، به خاک افتاده تمثالی را که ساخته‌ام پرستش کنید، نیکوست؛ اما اگر پرستش نکنید، همان ساعت به میان کوره آتش سوزان افکنده خواهید شد؛ و کدام خدایی است که شما را از دست من برهاند؟ شدرک و میشک و عبد نغو در پاسخ به پادشاه گفتند: ای نبوکدنصر، لازم نمی‌دانیم در این باره به تو پاسخ دهیم. اگر چنین باشد، خدای ما که او را خدمت می‌کنیم قادر است ما را از کوره آتش سوزان رهایی بخشد، و ای پادشاه، ما را از دست تو خواهد رها کند. و اگر نه، ای پادشاه، بدان که خدایان تو را خدمت نخواهیم کرد و تمثال زرینی را که برافراشته‌ای پرستش نخواهیم نمود. آنگاه نبوکدنصر از خشم آکنده شد و چهره‌اش در برابر شدرک و میشک و عبد نغو دگرگون گردید؛ پس گفت و فرمان داد که کوره را از آنچه همیشه بود هفت برابر بیشتر گرم کنند. دانیال ۳:۱۵-۱۹.

«ساعت» داوری بلشصر همان «ساعت» داوری شدرک، میشک و عبدنغو است، و در هر دو خط «هفت بار» به‌عنوان نماد آن داوری به تصویر کشیده شده است. سه مرد شایسته نماینده دو شاهی هستند که با ابرها به آسمان صعود می‌کنند و به‌عنوان عالم در «ساعت» زلزله بزرگ هنگام قانون یکشنبه ظاهر می‌شوند، و بلشصر نمایانگر داوری ویرانی ملی است که در همان «ساعت» بر وحش زمین وارد می‌آید.

ما مطالعه خود درباره داوری بلشصر را در مقاله بعدی ادامه خواهیم داد.

در خصوص سطح نازل پارسایی در میان قوم ما سخت دل‌آشفته‌ام. و هرگاه به وای‌هایی که بر کفرناحوم اعلام شد می‌اندیشم، به این فکر می‌کنم که چه محکومیت به مراتب سنگین‌تری بر آنان خواهد آمد که حق را می‌دانند و مطابق حق راه نرفته‌اند، بلکه در شراره‌های آتشی که خود افروخته‌اند گام برداشته‌اند. در شب‌ها مردم را به گونه‌ای بسیار جدی خطاب می‌کنم و از آنان تمنا دارم که از وجدان خود بپرسند: من کیستم؟ آیا مسیحی‌ام یا نه؟ آیا دل من نو شده است؟ آیا فیض دگرگون‌کننده خدا شخصیت مرا شکل داده است؟ آیا برای گناهانم توبه کرده‌ام؟ آیا آن‌ها را اعتراف کرده‌ام؟ آیا آمرزیده شده‌اند؟ آیا من با مسیح یک هستم، چنان‌که او با پدر یک است؟ آیا اکنون از آنچه زمانی دوست می‌داشتیم بیزارم؟ آیا اکنون آنچه را زمانی از آن نفرت داشتم دوست می‌دارم؟ آیا همه چیز را در برابر برتری شناخت مسیح عیسی زیان می‌شمارم؟ آیا احساس می‌کنم که ملک‌خربداری شده عیسی مسیح هستم و اینکه هر ساعت باید خود را وقف خدمت او کنم؟

ما بر آستانه وقایع بزرگ و خطیر ایستاده‌ایم. سراسر زمین با جلال خداوند روشن خواهد شد، همان‌گونه که آب‌ها آبراهه‌های لجه عظیم را می‌پوشانند. نبوت‌ها در حال تحقق‌اند، و روزگار توفانی پیش روست. مجادلات کهنه‌ای که ظاهراً سالیان دراز خاموش بوده‌اند، دوباره زنده خواهند شد، و مجادلات تازه‌ای سر برخواهند آورد؛ نو و کهنه درهم خواهند آمیخت، و این امر به زودی رخ خواهد داد. فرشتگان چهار باد را نگاه داشته‌اند تا نوزند، تا زمانی که کار معین هشدار دادن به جهان به انجام رسد؛ اما توفان در حال گرد آمدن است، ابرها سنگین می‌شوند، آماده‌اند که بر جهان فروریزند، و برای بسیاری چون دزدی در شب خواهد بود.

بسیاری لبخند زدند و باور نمی‌کردند وقتی بیست تا سی سال پیش به آنان می‌گفتیم که روز یکشنبه بر سراسر جهان تحمیل خواهد شد و قانونی وضع خواهد شد تا رعایت آن را الزام کند و وجدان‌ها را به اجبار وادارد. می‌بینیم که این امر در حال تحقق است. هرآنچه خدا درباره آینده گفته است، به یقین واقع خواهد شد؛ از آنچه او گفته، حتی یک چیز هم ناکام نخواهد ماند. پروتستانیسم اکنون دست خود را از فراسوی شکاف دراز کرده تا با پاپی دست بدهد، و اتحادی در حال شکل‌گیری است تا سبت حکم چهارم را از نظرها پایمال کند؛ و آن مرد گناهکار که به تحریک شیطان، سبت جعلی، این فرزند پاپی، را برقرار کرد، برافراشته خواهد شد تا جای خدا را بگیرد.

چنین به من نمایانده شده که تمام آسمان نظاره‌گر گشایش رویدادهاست. بحرانی قرار است در مناقشه بزرگ و طولانی درباره حکومت خدا بر زمین آشکار شود. چیزی بزرگ و تعیین‌کننده در شرف وقوع است، و آن هم بسیار زود. اگر اندک تأخیری رخ دهد، سرشت خدا و تخت او مخدوش خواهد شد. سلاح‌خانه آسمان گشوده است؛ تمام عالم خدا و ساز و برگ آن آماده‌اند. عدالت کافی است یک کلمه بر زبان بیاورد، و آنگاه تجلیات هولناک خشم خدا بر زمین پدیدار خواهد شد. صداها و رعد‌ها و برق‌ها و زلزله‌ها و ویرانی فراگیر خواهد بود. هر حرکت در عالم آسمان برای آماده کردن جهان برای بحران بزرگ است.

شدت در حال تسلط یافتن بر همه عرصه‌های زمینی است؛ و چون قومی که از نوری عظیم و دانشی شگرف بهره‌مند بوده‌اند، بسیاری از آنان به پنج باکره خفته می‌مانند با چراغ‌هایشان، اما بی‌روغن در ظرف‌هایشان؛ سرد، بی‌احساس، با دینداری‌ای سست و رو به افول. در حالی که حیاتی نو در حال انتشار است و از ژرفا می‌جوشد و به شتاب بر همه عوامل و دستگاه‌های شیطان چنگ می‌زند تا برای آخرین نبرد و کشاکش عظیم آماده سازد، نوری و حیاتی و قدرتی تازه از اعلی فرود می‌آید و بر قوم خدا - آنان که، نه چون بسیاری امروز، در تخطی‌ها و گناهان مرده‌اند - استیلا می‌یابد. مردمی که اکنون از خلال آنچه پیش چشم ما در جریان است درمی‌یابند که به زودی چه بر ما خواهد آمد، دیگر بر ساخته‌های انسانی تکیه نخواهند کرد و احساس خواهند کرد که باید روح‌القدس شناخته و پذیرفته و در برابر مردم عرضه شود تا برای جلال خدا پیکار کنند و در

همه‌جا، در کوره‌راه‌ها و شاهراه‌های زندگی، برای نجات جان‌های هم‌نوعان خود به کار برخیزند. یگانه صخره مطمئن و استوار، صخره ابدی است. تنها آنان که بر این صخره بنا می‌کنند، در امان‌اند.

کسانی که اکنون جسمانی‌اندیش‌اند، با وجود هشدارهایی که خدا در کلام خود و از طریق شهادت‌های روحش داده است، هرگز با خانواده مقدس نجات‌یافتگان متحد نخواهند شد. آنان شهوانی‌اند، در اندیشه فرومایه، و در نظر خدا منفور. هرگز به وسیله حقیقت تقدیس نشده‌اند. در طبیعت الهی سهم نیستند، هرگز بر نفس و بر جهان با دلبستگی‌ها و شهوت‌های غلبه نکرده‌اند. این افراد در سراسر کلیساهای ما حضور دارند، و در نتیجه کلیساهای ضعیف و بیمارگونه و آماده مرگ‌اند. اکنون نباید شهادتی بی‌تفاوت ارائه شود، بلکه شهادتی قاطع و صریح که هر ناپاکی را تویخ کند و عیسی را تمجید نماید. ما باید، به‌عنوان یک قوم، در حالت انتظار باشیم؛ کار کنیم و منتظر بمانیم و مراقب باشیم و دعا کنیم.

این امید مبارک ظهور دوم مسیح باید بارها با واقعیت‌های خطیرش به مردم عرضه شود؛ چشم‌انتظار ظهور نزدیک خداوند ما عیسی در جلالش بودن، موجب می‌شود که امور زمینی را بپوش و هیچ بشماریم. هر گونه افتخار یا امتیاز دنیوی بی‌ارزش است، زیرا مؤمن حقیقی فراتر از جهان زندگی می‌کند؛ گام‌های او به سوی آسمان پیش می‌روند. او مسافر و غریب است. تابعیت او در آسمان است. او پرتوهای خورشیدی عدالت مسیح را در جان خود گرد می‌آورد تا در تاریکی اخلاقی‌ای که جهان را دربرگرفته، نوری سوزان و درخشان باشد. چه ایمان نیرومندی، چه امید زنده‌ای، چه محبت سوزانی، چه غیرت مقدس وقف‌شده‌ای برای خدا در او دیده می‌شود، و چه تمایز قاطعی میان او و جهان! «پس بیدار باشید و همیشه دعا کنید تا سزاوار شمرده شوید که از همه این اموری که واقع خواهد شد بگریزید و در حضور پسر انسان بایستید.» «پس بیدار باشید، زیرا نمی‌دانید که در چه ساعتی خداوند شما می‌آید.» «پس شما نیز آماده باشید، زیرا در ساعتی که گمان نمی‌برید، پسر انسان می‌آید.» «اینک، مانند دزدی می‌آیم. خوشا به حال کسی که بیدار می‌ماند و جامه‌های خود را نگه می‌دارد.» جزوه‌ها، ۳۸-۴۰.